

چکیده

از فتوت تا خاکساری

علی محمد روح بخشان*

۱. فتوتنامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله) / مقدمه، تصحیح و توضیح مهران افشاری. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲، هفتاد و نه + ۳۸۰ ص.

۲. فتوت نامه: تاریخ، آیین، آداب و رسوم، به انضمام رساله فتوتیه میرسید علی همدانی / تألیف و تصحیح و تحشیه دکتر محمدریاض. - تهران: اساطیر، ۱۳۸۲، ۲۲۴ ص.

۳. آیین فتوت و جوانمردی / تألیف دکتر اسماعیل حاکمی. - تهران: اساطیر، ۱۳۸۲، ۱۸۲ ص.

فتوت، یکی از مفاهیم مهم عرفان و تصوف است، که از همان آغاز پیدایش در میان عامه مردم، توجه اهل نظر، عرفا و صوفیه را به خود جلب کرده و کتب و رسائل بسیاری در این زمینه، تألیف شده است. هفده رساله در این زمینه، به تصحیح و تحقیق مهران افشاری در کتاب فتوت نامه و رسائل خاکساریه (تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۲) چاپ شده است و در این گفتار، پس از مدخلی کوتاه درباره آیین فتوت، به معرفی، نقد و بررسی کتاب مذکور و مقایسه آن با کتابهای فتوت نامه (تاریخ، آیین، آداب و رسوم، به انضمام رساله فتوتیه میر سیدعلی همدانی) تألیف و تصحیح دکتر محمد ریاض، و کتاب آیین فتوت و جوانمردی تألیف دکتر اسماعیل حاکمی پرداخته شده است. نویسنده گفتار، مشخصات رسائل فتوت و خاکساریه را که در کتاب فتوت نامه و رسائل

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ورامین.

خاکسار به آمده، ذکر کرده است و در پایان مقاله، اغلاط چاپی آن را نیز برشمرده.

یکی از مضامین دلکش عالم تصوف، که به دنیای ادب هم راه یافته است و جایگاهی والا پیدا کرده «فتوت» است که از همان ابتدای پیدایی در میان عامه مردم توجه اهل نظر و صاحبان دانش را به خود جلب کرد، و در این زمینه چندان کتاب و رساله نوشته شده است که به قول یکی از محققان فرانسوی احصای همه آنها ناممکن است.

فتوت در لغت عرب صفتی (مصدری) است که از کلمه «فتی» مشتق شده است و فتی (تازه جوان) کسی را گویند که پای در دوره جوانی نهاده و روزگار خوش شباب را آغاز کرده است. شاید به همین سبب در فرهنگهای لغت فتوت را جوانمردی و مردی معنی کرده‌اند و فتی را جوان و جوانمرد نیکو خوی دانسته‌اند.^۱

فتوت در فرهنگ ایرانی به معنای جوانی، سخا، کرم، بخشندگی، جوانمردی و مردانگی آمده است^۲ و در عالم تصوف عبارت است از: غیر را بر نفس خود ترجیح دادن، انواع ایثار (ایثار مالی و جاه و جلال و نفس)، کوشش در امور دیگران و دیگران را بر خود برتری دادن و با همگان به انصاف رفتار کردن... و در اصطلاح عارفان عبارت از ایثار است که «اول درجه آن ایثار به جاه، و اعلامرتبه آن ایثار به نفس است». سلمی گفته است:

ایثار آن است که خود را کوچک شمرد و دیگران را بزرگ داری و حرمت نهی، از لغزش برادران درگذری، با خلق به نیکی رفتار کنی، نسبت به کسانی که از آنان آزاده دلی بذل و بخشش کنی، فضایل خلق و عیوب خود را مشاهده کنی...

و نیز گفته‌اند:

فتوت آن باشد که برای خود فضل و مزینتی نبینی. و آن را سه درجه است: ترک خصومت، و تغافل از زلت دیگران و احسان در مقابل بدی؛ فتوت با نفس که غیر خدا را نبیند و کارهای خود را برای اجر و مزد انجام ندهد و اطاعت حق را خالصانه انجام دهد...^۳

فتوت هم در میان ایرانیان و هم در نزد اعراب سابقه کهن و معانی وسیع تر داشته

است چنان که در عصر جاهلی در میان اعراب یک معنای مجازی برای آن پدید آمد که شجاعت و سخاوت بود و

عرب این دو صفت را از همه صفات پسندیده تر و ستوده تر می داشت و چندان دامنه یافت که مشتقات آن ده بار در قرآن کریم آمده است^۴ و حتی به زبان پیامبر هم جاری می شده است چنان که شیخ ابو عبدالله محمد بن ابی المکارم در کتاب الفتوة از حضرت صادق (ع) نقل کرده است که گفت «رسول خدای (ص) گفت: جوانمردان امت مرا ده علامت است: راستگویی و وفای به عهد و ادای امانت و ترک دروغگویی و بخشودن بر یتیم و دستگیری سائل و بخشیدن آن چه رسیده است و بسیاری احسان و خواندن مهمان، و سر همه آنها حیاست.

و همین فتوت و جوانمردی است که به حضرت علی (ع) انتقال یافته و «فتا»ی مطلق شده است، که: «لافتی الا علی...» در حق او گفته شده است. و از این جاست که فتوت، که حتی از آن به «علم فتوت» یاد کرده اند، از دیر باز وارد متون مختلف فارسی و عربی شده است و حتی کتابهای مستقل در این باب به رشته تألیف درآمده است همچون عوارف المعارف، حدیقة الحقیقه، تذکرة الاولیاء، رسائل جوانمردان، کتاب الادب و المرؤة، تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان... و بحث از آن به متون منشور منحصر نمانده و در شعر فارسی هم جایگاه شایسته یافته است چنان که شیخ فریدالدین عطار در مثنویهای خود به تفصیل درباره آیین فتوت سخن رانده است و ما یک قطعه منسوب به او را که متضمن خصوصیات جوانمردی و جوانمردان است و به هاتفی هم نسبت داده شده است، نقل می کنیم:

الا ای هوشمند خوب کردار	بگویم با تو رمزی چند ز اسرار
چو دانش داری و هستی خردمند	بیاموز از فتوت نکته همی چند
که تا در راه مردان ره دهندت	کلاه سروری بر سر نهندت
چنین گفتند پیران مقدم	که از مردی زدندی در میان دم
که هفتاد و دو شد شرط فتوت	یکی زان شرطها باشد مروّت
نخستین، راستی را پیشه کردن	چو نیکان از بدی اندیشه کردن
همه کس را به یاری داشتن دوست	نگفتن آن یکی مغز و دگر پوست
ز بند نفس بد آزاد بودن	همیشه پاک باید چشم و دامن
اگر اهل فتوت را وفا نیست	همه کارش به جز روی و ریا نیست

کسی کو را جوانمردی است در تن
 به هر کس خواستی می باید آنت
 مکن بد با کسی کو با تو بد کرد
 زبان را در بدی گفتن میاموز
 تو را آنکه به آید مردی و زور
 کسی کو را به خشم اندر رضا نیست
 فتوت دار چون باشد دلآزار
 درین ره خویشتن بینی نگنجد
 فتوت ای برادر بردباری است
 ببخشاید دلش بر دوست و دشمن
 اگر خواهی به خود، نبود زیانت
 تو نیکی کن، اگر هستی جوانمرد
 پشیمانی خوری تو هم یکی روز
 که بینی خویشتن را کمتر از مور
 فتوت در جهان او را روا نیست
 نباشد در جهانش هیچ گه کار
 به جز خاکی و مسکینی نگنجد
 نه گرمی ستیزه بلکه زاری است...

به همین علت است که فتوت مدتها با عیاری، که در مجموع نوعی خدمتگزاری به
 ضعیفان است، در هم آمیخت و تا دیرباز همپای آن در سطوح مختلف جامعه و در میان
 لایه‌های گوناگون مردم، به ویژه اصناف، به کار گرفته می‌شد و جوانمردی لازمه عیاری
 به حساب می‌آمد.

به همین ترتیب جوانمردی با پهلوانی هم ملازمه داشت و پهلوانی بدون جوانمردی
 به تصور در نمی‌آمد و یافت هم نمی‌شد؛ و اگر زورمندی فاقد جوانمردی پیدا می‌شد
 «قلدر» بود نه پهلوان. چنان که یکی از نامدارترین پهلوانان تاریخ ایران یعنی پهلوان
 محمود خوارزمی که بیشتر به نام «پوریای ولی» شناخته است از ابدال و بزرگان عالم
 اخلاق و انسانیت بوده است زیرا که اندیشه اصلی او دستگیری از افراد ناتوان، و
 غمخواری و بیمار داری ضعیفان و بیچارگان بود.

تحولات اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران در طول تاریخ و ساخت و
 تازه‌های بی‌هنگام و زیان‌آور گردنکشان داخلی و کشورگشایان خارجی خواه و ناخواه
 مردم را به سمت «خود دفاعی» سوق داد به این معنی که مردم ناگزیر شدند که برای
 حفظ خانه و زندگی و جان و مال و عرض و ناموس خود امید از حکمرانان ببرند و خود
 دست به کار دفاع شوند. پیدایی جنبشهایی مثل مازیاریه، بابکویه، سربداریه، حروفیه...
 نتیجه طبیعی، همین طرز فکر است. بدیهی است که در این میان حرکتهایی که مایه دینی
 اسلامی داشتند موفق‌تر و پایدارتر می‌شدند و برای سامان دادن پیروان و هواداران خود
 دست به فعالیتهای تعلیماتی و تشکیلاتی می‌زدند که لازمه آنها وجود آداب و رسوم و

قواعد و مقرراتی بود که در رساله‌ها تدوین می‌شدند و غالباً سَری و رمزی به حساب می‌آمدند. هر اندازه که حرکتی یا طریقتی دامنه‌دارتر می‌شد و عمر درازتر می‌یافت به همان نسبت آداب و رسوم و قواعد و شرایط آن افزایش می‌یافت و در نتیجه در هر زمان رساله‌های بیشتر و کامل‌تر یا شامل‌تر تألیف و تدوین می‌شدند تا جایی که امروزه دهها کتاب به صورت رسائل، فتوتنامه، قلندرنامه و مانند اینها یافت می‌شوند که بیشترشان گمنام و ناآشنا هستند و گردآوری و تصحیح و تنقیح و چاپ آنها اقدامی ستودنی و مأجور است، که کتاب فتوتنامه‌ها و رسائل خاکساربه از این نسخ است.

کتاب که با دقت تمام فراهم آمده متشکل از پنج بخش مجزاست: دیباچه، مقدمه، فتوتنامه‌ها، رسائل خاکساربه، فهرستها.

مؤلف در دیباچه پنج صفحه‌ای خود چگونگی آشنا شدن با موضوع و داستان سالها کوشش و جست و جورا به اختصار شرح داده است. پس از آن در مقدمه‌ای بالغ بر شصت صفحه تحقیقی نسبتاً جامع درباره سه مبحث عمده ارائه کرده است:

(۱) آیین جوانمردی از دیر باز تا عصر حاضر؛

(۲) تأثیر منش عیاری در تصوف و آیین ملامتی؛

(۳) جوانمردی و قلندری و فرهنگ عامه ایران.

در واقع مؤلف در این بخش با تکیه بر اسناد و مدارک موجود، پس از تعریف جوانمردی و جوانمردان سیفی یعنی اهل شمشیر و جوانمردی قولی یعنی اهل قلم و سخن، نشان می‌دهد که چگونه آیین عیاری یا جوانمردی در ایران به قلندران و خاکساری انجامید، ونفوذ و تأثیر عیاری در تصوف چه اندازه بوده است و رابطه جوانمردی با آیین ملامتی چگونه بوده است. پس از اینها به اهمیت جوانمردان و قلندران و خاکساران در تاریخ اجتماعی ایران می‌پردازد. در این میان طبعاً مفاهیم و اصطلاحات دیگر هم مثل: رند، آستانه، تکیه، لنگر، شهر آشویی، سرسپردن، توبه، بیعت، تلقین، خرقة، و ابزارهای کار عیاران جوانمردان هم مطرح می‌شوند، اما مؤلف در تعریف رند به اشتباه آن را با «لات» یکی دانسته (صفحه بیست) و احتمالاً میان لات و «لوتی» [لوطی] (صفحه هفتاد و سه به بعد) خلط کرده است، زیرا که لات «بی صفت» یعنی فاقد هرگونه صفت مثبت است، در حالی که «لوطی صفت» در زبان و فرهنگ ما جایگاهی مثبت دارد.

پس از این مقدمه نسبتاً جامع و در هر حال آموزنده به بخش اصلی کتاب می‌رسیم که با «فتوتنامه‌ها» آغاز می‌شود، و پس از تعریف «فتوتنامه» و گفت و گو از فتوتنامه‌های چاپ شده، هفده رساله خطی به این شرح معرفی شده‌اند و متن آنها به چاپ رسیده است:

- فتوتنامه (شماره ۸) از مجموعه خطی کتابخانه ملی فرانسه، مورخ اوایل قرن هشتم.
- فتوتنامه سید (شماره ۹) از مجموعه خطی همان کتابخانه، منظوم.
- فتوتنامه (شماره ۲۰) از مجموعه کتابخانه ایا صوفیه، ظاهراً متعلق به قرن هفتم.
- فتوتنامه (شماره ۱۰) از مجموعه خطی کتابخانه ملت افندی ترکیه که ظاهراً در اواخر قرن هفتم نگاشته شده است.
- فتوتنامه سید عزّی مروی در کتابخانه مرکزی دانشگاه، از قرن هشتم، منظوم.
- فتوتنامه قصاب، از مجموعه رسائل خطی شماره ۸۸۹۸ کتابخانه مجلس، که فتوتنامه‌ای صنفی متعلق به سده دهم یا یازدهم است.
- فتوتنامه کفشدوزان از مجموعه شماره ۱۱۳۳ کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، مربوط به بعد از قرن هشتم.
- فتوتنامه کفشدوزان، از همان مجموعه.
- فتوتنامه طبّاخان، کتابت در سال ۱۰۹۳، از مجموعه شماره ۲۷۷۷ کتابخانه مجلس.
- فتوتنامه سلمانیان، از مجموعه کتابخانه دانشکده الهیات مشهد که در ۱۳۰۷ ق کتابت شده است.
- فتوتنامه دلاکان از مجموعه شماره ۷۵۶۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه مکتوب به سال ۱۳۱۷ ق.
- فتوتنامه حجامان که در اصل کسوتنامه حجامان نام دارد و در مجموعه خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان مندرج است [در دو صفحه، که از کوتاه‌ترین رساله‌های مندرج در این کتاب است].
- فتوتنامه امیر المؤمنین (ع) از مجموعه شماره ۳۴۷۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه که احتمالاً به روزگار شاه صفی نگارش یافته است.
- فتوتنامه (شماره ۴) از مجموعه خطی کتابخانه فرانکفورت آلمان که احتمالاً در دوره قاجار کتابت شده است.
- فتوتنامه (شماره ۱) از همان مجموعه.

- فتوتنامه (شماره ۵) از همان مجموعه که عمدتاً به صورت سؤال و جواب تنظیم شده است.

- فتوتنامه (شماره ۳) از همان مجموعه (در آداب سجاده).

پس از این فتوتنامه‌های مستقل، دسته‌ای دیگر تحت عنوان «رسائل خاکساریه» مشتمل بر سیزده رساله معرفی شده است:

- رساله فقریه، از مجموعه خطی کتابخانه فرانکفورت

- تاجنامه پیران یا ارشاد کسوت از همان مجموعه (در دو صفحه).

- آیت‌های تراش یعنی دستورالعمل چگونگی تراشیدن و اصلاح موهای بدن، از همان مجموعه (دو صفحه).

- سؤالات وصله و خرقة، از همان مجموعه (یک صفحه).

- رساله طریقت سیدجلال الدین حیدر، که نسخه‌هایی از آن در تهران و مشهد یافت می‌شوند.

- بیان ارکان از مجموعه خطی شماره ۸۶۰ کتابخانه دانشکده الهیات مشهد.

- رساله در طریقت، از مجموعه شماره ۷۵۶۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- هشت مقام قطارکش، از مجموعه شماره ۸۶۰ کتابخانه دانشکده الهیات مشهد (در مقامات تائبان، شاکران، صابران، راضیان، توکل، زاهدان، لیساحان، عارفان).

- رساله خطی شماره ۱۱۵۱۰ کتابخانه مجلس.

- چهارده خانواده، که نسخه‌های مختلف از آن یافت می‌شود و گویا در اواخر قرن سیزدهم نوشته شده است.

- رساله در بیان اصناف، از مجموعه شماره ۴۴۱۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- رساله‌ای دیگر درباره اصناف، از مجموعه رسائل خاکساریه به شماره ۷۵۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- وسیله النجاة، درباره اعتقادات و آداب و رسوم «درویشان عجم» از روی نسخه شماره ۹۲۰۰ کتابخانه مجلس که در ۱۲۶۶ ق کتابت شده است. رساله‌ای منثور و منظوم در بیش از ۶۰ صفحه، و لذا طولانی‌ترین رساله مندرج در این کتاب است.

ارزش این رساله‌ها، که تقریباً منحصرأً به زندگی فردی و اجتماعی در جوامع شهری اختصاص دارند در این است که تشکیلات سازمانی مردم شهرها را در طی قرون نشان

می‌دهند و لذا برای مطالعات جامعه‌شناسی نهایت اهمیت را دارند. در واقع جوامع شهری ایران و به طور کلی عالم اسلام، همواره متشکل از اصناف و متکی بر آنان بوده است. اهمیت اصناف تا همین اواخر چندان بود که در حکومت پیشین در کنار «اتحادیه‌ها» و «اتاقها» و سازمانهای مختلف، که همه چماق حکومت بودند، یک «اتاق اصناف» هم با عرض و طول بسیار، ظاهراً برای دفاع از حقوق اصناف و پیشه‌وران و در واقع برای مراقبت از آنها و کشاندنشان به راههای مطلوب دستگاه حاکم به ریاست لاتِ تنومندی که از وابستگان دربار بود، درست کرده بودند.

رساله فتوتیه

رساله‌هایی که تا این‌جا نامشان ذکر شد از مؤلفان ناشناخته هستند، اما رساله‌هایی هم که نام و نشان نویسندگانشان معلوم است کم نیستند، و از آن جمله است رساله فتوتیه از میرسید علی همدانی که میان سالهای ۷۱۴ تا ۷۸۶ ق، یعنی تا پیش از برآمدن تیموریان می‌زیسته است. این رساله را، که نسخه‌های خطی بسیار از آن در دست هست دکتر محمدریاض (پاکستانی) تصحیح کرده و مقدمه‌ای مبسوط و نسبتاً جامع بر آن نگاشته است. فتوتیه سیدعلی همدانی «مشمول بر زبده و برگزیده مطالبی است که در غالب کتابهای مربوط به مسلک فتوت توان یافت». مؤلف نخست اصطلاح «اخی» را توضیح می‌دهد و پس از آن معنی و مقصود و منفعت اخلاقی و اجتماعی فتوت و آداب و رسوم مهم آن و نیز اهمیت «سلسله خرقه» را بیان می‌کند و ده قول از بزرگان فتوت و تصوف و نیز قولی از شاه مردان حضرت علی(ع) را درباره اصل و حقیقت فتوت نقل می‌نماید و هر جا که مناسب می‌داند به آیات قرآن و احادیث رسول و اقوال بزرگان صوفیه و اشعار دیگران استشهاد می‌جوید و در مجموع تصوف و فتوت را معادل هم می‌گیرد.

آن‌چه در این کتاب جلب نظر می‌کند اولاً مقدمه نسبتاً جامع مصحح است و ثانیاً توضیحاتی که در حواشی صفحات متن افزوده است. مصحح در مقدمه مبسوط خود با عنوان «تاریخ، آیین، آداب و رسوم فتوت» مباحث زیر را به دقت مطرح کرده و توضیح داده است: معنی و مقصود فتوت، فرق فتوت اسلامی با فتوت قبل از اسلام، موضوع فتوت اسلامی، تاریخچه فتوت، فتوت انبیا و صلحای قبل از اسلام، فتوت در زندگانی حضرت رسول(ص)، حضرت علی(ع) سرمشق فتیان و انعکاس این مطلب در ادبیات

فارسی، علی(ع) و اسناد خرقه فتوت، ذکر علی(ع) در کتب جوانمردی، فتوت و تصوف، ملامتیه و فتوت، رابطه فتوت و تصوف و ملامت، سخنان بزرگان در حقیقت فتوت، شرایط و آداب و رسوم فتوت، امور منافی فتوت، امور لازم برای داوطلب مسلک فتوت، چگونگی ورود در جرگه فتیان، فتوت اجتماعی و تحولات عجیب آن، عیاری و شطاری، ترویج فتوت به وسیله بعضی از خلفا و پادشاهان اسلام، اُحیّت و رابطه آن با فتوت، مجامع فتیان، فتوت در اسپانیا و سیسیل، اصطلاحات مخصوص فتیان، فتوت و مفاهیم آن در ادبیات فارسی، فتوت در شبه قاره هند و پاکستان، فتوت و اصناف مختلف مردم، زوال نهایی فتوت، کتابهای معروف عربی و فارسی درباره مسلک فتوت... و می توان گفت که در واقع کمتر نکته‌ای در این زمینه ناگفته مانده است.

آیین فتوت

آنچه دکتر محمدریاض در مقدمه و حواشی فتوتیه نوشته است با کتاب آیین فتوت و جوانمردی فراهم آورده دکتر اسماعیل حاکی تکمیل می‌شود. در این کتاب، پس از بررسی آیین فتوت و جوانمردی، طبقات مختلف فتیان، فتوتنامه نویسی، نمونه‌هایی از داستانهای عیاران و جوانمردان، جوانمردان مشهور... به یعقوب لیث واصل نسب و جنگهای او پرداخته شده است. در واقع آن چه در عیاری و فتوت و جوانمردی گفته شده است در آمدی است برای رسیدن به یعقوب لیث و تبیین نقشی که در شکل‌گیری این مقوله‌ها داشته است. کتاب با پنج پیوست (به قلم روانشادان سعید نفیسی و عبدالحسین زرین کوب) و چهار فهرست (اعلام، کتابها، نامجایها، اقوام و قبایل) به پایان می‌رسد و در مجموع تحقیقی است که مخصوصاً نسل جوان علاقه‌مند به موضوع را سودمند می‌افتد.

مقایسه

اکنون پس از این معرفی‌های اجمالی، مقایسه این سه کتاب و نشان دادن وجوه اشتراک یا افتراق محتوای آنها خالی از فایده نخواهد بود. کتاب آیین فتوت و جوانمردی از دکتر اسماعیل حاکی، که گویا رساله دکتراي اوست که در سال ۱۳۳۹ نوشته شده بوده است و چاپ کنونی، چنان که از «یادآوری» صفحه‌های ۱۵۹ تا ۱۶۲ برمی‌آید همان متن است بی‌اندک دستکاری و ویرایش، و در

آن وجه تاریخی بر وجوه دیگر غلبه دارد، چنان که صرف نظر از آن چه به یعقوب لیث (ص ۷۲ تا ۱۲۰) مربوط می‌شود دو مبحث عمده کتاب هم به نقل «نمونه‌هایی از داستان‌های عیاران و جوانمردان» و «جوانمردان مشهور» اختصاص دارد؛ در حالی که همان‌گونه که پیش از این دیده شد در فتوت‌نامه دکتر محمدریاض اصل بر تعاریف نهاده شده است و همه اصطلاحات و تعبیرات فتوت و اصناف جوانمردان به دقت تعریف و تبیین شده‌اند. و علت این که دکتر ریاض - که این کتاب را همچون رساله دکتری خود در دانشکده ادبیات تهران تدوین کرده بوده - از وجود کتاب دکتر حاکمی بی‌خبر می‌نماید همان دستنوشته ماندن آیین فتوت است هرچند که این دو کتاب مکمل هم هستند و فایده آنها در وقتی تام و تمام می‌شود که با هم مطالعه شوند.

همین حکم در مورد فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه هم صادق است به این معنی که مؤلف آن در حالی که از وجود متن چاپ شده فتوت‌نامه میرسید علی همدانی خبر داشته است (ص ۲) هیچ نامی از آیین فتوت و جوانمردی نبرده است و حال آن که تا جایی که در توانش بوده همه منابع مربوط به این مقوله را مورد کاوش و استفاده قرار داده است. تفاوت عمده این کتاب با دو تألیف دیگر در دسته‌بندی موضوع‌ها و مباحث فتوت است. به این صورت که مؤلف در سه بخش متمایز مقدمه (چگونه آیین عیاری در ایران به قلندری و خاکساری انجامید، تأثیر و نفوذ عیاری در تصوف و پیوند جوانمردی با آیین ملامتی، اهمیت جوانمردان و قلندران و خاکساران در تاریخ اجتماعی ایران) جوانمردی، عیاری، تصوف، قلندری و شاخه‌ها یا شعبه‌های مرتبط با هر یک از اینها را شناسایی و به کمک متون قدیم و جدید تعریف کرده است. در واقع در این مقدمه چگونگی ارتباط جوانمردی با دیگر دغدغه‌های ذهنی و اجتماعی طبقات شهری قرون متمادی ایران اسلامی مورد بررسی و بحث قرار گرفته است، و این یک وجه امتیاز عمده این کتاب از دو کتاب دیگر است.

سهوالقلم و ایراد

بدیهی است که هر سه کتاب عاری از کمی و سهو القلم نیستند. مثلاً در صفحه بیست و سه همین کتاب کلمه «شهر آشوبی‌ها» در مورد نابسامانی‌ها و دستبردهای شهری به کار رفته است که اصطلاح «شهر آشوب» معروف در ادبیات را به ذهن متبادر می‌کند بی‌آن که به هم ربط داشته باشند (این کلمه با همان معنی در صفحه چهل و هفت تکرار

شده است) یا در صفحه پنجاه و چهار سخن از «جوانمرد پیشگان» در میان است که ترکیبی نارواست زیرا که «جوانمردی» پیشه می‌شود نه «جوانمرد». دیگر این که مؤلف که به وقت و حوصله پای همه صفحه‌ها را از یادداشت‌های مختلف انباشه است حق بود که در ذیل صفحه شصت و یک در عبارت «تره پوسیده و کدوی طلخ و کذر تباہ شده» توضیح می‌داد که منظور از کذر همان گِزِر یعنی هویج است. این هم که در صفحه هفتاد و یک نوشته شده است که «زورخانه‌ها دری کوچک و پلکانی ممتد داشته...» اند با آن چه ما در زورخانه‌های قدیم دیده‌ایم تطبیق نمی‌کند و پلکان ممتد خاص گرما به بوده است زیرا که لازمه وجود پلکان ممتد این است که زورخانه را در زیر زمین بسازند و در عمل هرگز چنین نبوده است درست بر عکس گرما به که برای سوار شدن آب اجباراً گود ساخته می‌شد.... و بالأخره این که کتاب خالی از اشتباه چاپی هم نیست. مثلاً در صفحه چهل و سه «محسوب می‌دانستند» نادرست، و صحیح آن «محسوب می‌داشتند» است. یا در صفحه ۲۳۳ «یا اولی الابصار» نادرست و «یا اولوا الابصار» درست است... ایرادهای وارد به فتوت‌نامه... دکتر ریاض سه دسته‌اند: (۱) غلط‌های چاپی، (۲) تکرار، (۳) به کار بردن نامناسب تاریخ میلادی.

۱ - چند نمونه از غلط‌های چاپی:

صفحه	سطر	نادرست	درست
۱۸	۱	اعراض	اعتراض
۱۹	۸	مؤنث	موؤنت
۲۸	۲	ابوحفض	ابو حفص
۴۶	۷	سمنای	سمنانی
۴۶	۱۰	مچی	محبی
۶۷	۱۴	آب نمک غش و	آب نمک بی غش و
۷۲	۶	نقل و به نقل	نقل به نقل
۸۸	۴	تفضیل	تفصیل
۹۷	۱۰	باخاک ترک مهرجویی	باخاک تو ترک مهرجوی
۱۳۰	۲۱	چنان کز پیش باشی، باش از بس....	باش از پس
۱۳۱	۹	اخی را چو طمع باشد...	اخی را چون طمع باشد...

چون حلقه دارگوش	چون حلقه دارگوش	۲۳	۱۳۲
آقای گلچین	آقای گلچین	۱	۱۳۷
چرس دان	چرس دادن	۸	۱۳۷
خصوصیات نسخه‌ها	خصوصیات نسخه	۱۰	۱۴۷
نسخه عکسی	نسخه خطی	۱	۱۴۸
بیدای ظلمت آباد	بیداری ظلمت آباد	۵	۱۴۹
خرانه اقدام	خرانه قدم	۱۰	۱۴۹
می نیاید به	می نیاید به	۶	۱۸۹

۲) تکرار. مطالب مقدمه و متن در چند مورد تکرار شده‌اند، مثلاً آن چه در صفحه‌های ۵۴ و ۵۵ آمده است در صفحه ۱۵۶ به بعد تکرار شده است، و آن چه در صفحه ۱۳۰ آمده تکرار قول مندرج در صفحه ۵۸ است.

۳) تاریخ میلادی. اما ناگوارتر از همه اینها وجود تاریخ میلادی در یک متن فارسی مربوط به جامعه ایرانی و تاریخ اسلامی است، چنان که در صفحات ۷۸، ۸۲، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۲۶ و ...

اما ایرادهای آیین فتوت... عمدتاً به رسم الخط مربوط می‌شوند مثل: غافلست (ص ۹)، جدا و پیوسته نوشتن «ها»ی جمع در یک سطر، جدا نوشتن کلمات مرکبی که در حکم کلمه بسیط، هستند مثل خدمت گزاران (۱۰) و پیوسته نوشتن کلمات مستقل مثل آنکس (۱۷، ۲۶)، دمبدم (۲۴)... استفاده بيمورد و مفرط از پراتر (۳۰) و... برای آگاهی اجمالی از میزانی دقت در تألیف و تدوین کتاب می‌توان به فهرست‌های چهارگانه آن مراجعه کرد و برای نمونه به پی‌جویی برخی از اسامی و اصطلاحات در متن پرداخت و کتابنامه روز آمد آن را سرمشق قرارداد و تحسین کرد زیرا که خالی از کشفیات جدید نیست!

پی‌نوشت‌ها

۱. مولانا حسین واعظ کاشانی، فتوتنامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محبوب، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، «مقدمه»، ص ۷.
۲. فرهنگ فارسی معین، ۱۳۶۲/۵.
۳. دکتر سیدجعفر سجادی، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۶۱۸.
۴. فتوتنامه سلطانی، «مقدمه»، ص ۸.